

# سینمای ایران و

## اولین موفقیت‌های جهانی

### الهام مشتاق

علی رغم طرز بیان و داستان‌گویی ساده لوحانه اش، نشان دهنده دقت در مطالعه شخصیت‌ها و گرایش به سوی درون‌گرایی و روانشناسی است.

به هر حال جشنواره تهران به شکلی غیرقابل انکار نشان داد که سینمای ایران به سوی غرب نگاه می‌کند. البته به این مورد نمی‌توان اعتراض داشت مشروط بر آنکه صنایع سینمایی کشورهای در حال رشد که برای اولین بار در جشنواره‌هایی از این قبیل شرکت می‌کنند قربانی توجه مسئولان جشنواره به سینمای ملی‌شان نشود» در این جا نگارنده محترم کمی از بی‌برنامگی و تداخل برنامه‌ها صحبت می‌کند. و اینکه چگونه بی‌نظمی در برنامه‌ها کمی باعث دلگیری میهمانان خارجی (۱) گشته است و کمی هم پیشنهاد برای بهتر شدن کار ارائه داده و در آخر چنین اظهار می‌دارد: «این پیشنهادات و ملاحظات البته از ارزش حسن نیت و تحرك مسئولان رویداد تهران نمی‌کاهد. چه این جشنواره بخاطر شرکت وسیع مردم در آن و نیز حضور چشم‌گیر روزنامه‌نگاران، هنرپیشگان، کارگردانان، تهیه‌کنندگان و صاحبان صنایع سینمایی سرتاسر جهان، ارزش آن را دارد که تشویق شود و در آینده نیز به دقت دنبال گردد».

روزنامه‌یومیه «نویه زور شرزایتونگ» که به زبان آلمانی در سوئیس منتشر می‌شود درباره‌ی جشنواره تهران چنین می‌نویسد: «برخلاف جشنواره فیلم‌های کودکان که در نوامبر امسال برای هشتمین بار در تهران برگزار شد و هم‌اکنون از شناسایی محافل بین‌المللی سینمایی برخوردار است، جشنواره جهانی فیلم تهران هنوز در تکاپوی کسب هیئت مستقل و موقعیت بین‌المللی خاص خویش است. با آنکه در اثر مذاکرات طولانی، بالاخره جشنواره به عنوان یکی از پنج فستیوال معتبر دنیا شناخته شده، هرگونه ارزشیابی و قضاوت درباره‌ی آن باید با توجه به مشکلات ویژه یک رویداد نوپا و به خصوص با در نظر گرفتن هدف‌های بسیار جاه‌طلبانه آن انجام شود. جشنواره امسال در مقایسه با نخستین رویداد چه از نظر فیلم و چه از نظر علاقه عمومی به شرکت در آن پیشرفت فراوانی داشت. سال قبل (۱۳۵۲) فقط

فستیوال جهانی فیلم تهران گرچه به تعداد اندک حدود پنج دوره برگزار شد، به علت فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های بسیار زعمای حکومت توانست در اندک زمانی جایگاه ویژه‌ای برای خویش کسب کند. لازم به ذکر است که حمایت پنهان کشورهای غربی و دخالت روابط سیاسی آنها نیز در این میانه بی‌تأثیر نبوده است؛ اما این زمان (۱۳۵۲-۱۳۵۳) فصل نوینی در رشد سینماگران متفکر ایرانی نیز هست. ظهور این سینماگران و حضور آنها در جشنواره‌های بین‌المللی توانست وجهه‌ای برای پیکر خواب‌الوده سینمای ایران کسب کند. بهرام بیضایی، سهراب شهید ثالث، امیر نادری و... کسانی بودند که برگزارکنندگان فستیوال جهانی فیلم تهران با تکیه بر شهرت و محبوبیت‌شان در خارج و با اعتباری که نام آنها می‌توانست برای فستیوال کسب کند، اقدام به برگزاری دوره‌های متوالی خود کردند. مطالبی که در ذیل می‌آید از چند جریده معتبر آلمانی، سوئیس، آمریکایی در مورد این فستیوال جهانی استخراج شده است. به غیر از مواردی در زمینه یکسری بی‌برنامه‌گی‌ها که بعد از حدود سی سال هنوز هم در برنامه‌ها و جشنواره‌های سینمایی ایران خودی نشان می‌دهد، دیگر مطالب عنوان شده می‌تواند در زمینه اطلاعاتی از دیدگاه منتقدان غربی در زمینه سینمای ایران مفید و سودمند باشد.

«لوتیجی سانیا» منتقد ایتالیایی در شماره ۲۵ دسامبر «اوسرواتوره رومانو» روزنامه با نفوذی که ارگان واتیکان است در مقاله‌ای تحت عنوان «جشنواره تهران بخاطر جهشی در سینمای ایران» ابتدا از وسعت برنامه‌های جشنواره و تشخیص هیأت داوری اشاره می‌کند و سپس چنین می‌نویسد: «باید در عین حال از بازار فیلم نام‌برم که نتایج درخشانی داشت و نه تنها باعث تبادلات سودبخشی شد، بلکه همچنین راه را برای یک سلسله آشنایی‌های مفید در سطح فرهنگی باز کرد. به همه این دلایلی که برشمردم، بیان قطعی کار جشنواره تهران بسیار مثبت به نظر می‌آید... قبلاً به سطح عالی فیلم‌هایی که ایران عرضه کرد اشاره کرده‌ام. به غیر از این فیلم‌های داخل مسابقه، چند اثر جنبی نیز عرضه شد، از قبیل تکنسیر اثر امیر نادری که



رگبار

مسابقه شرکت داشتند. فیلم های رگبار از بهرام بیضایی و گاو از داریوش مهرجویی که قبلاً در سایه جشنواره های بین المللی به نمایش درآمده بودند، بطور جنی ارائه شدند.

یک اتفاق ساده اولین ساخته یک گارگردان بیست و هشت ساله است که «بخاطر تمامیت، درخشان و تصویربرداری سینمایی اش در بیان قصه ای ساده و شاعرانه» مورد توجه قرار گرفت و جایزه اول برای بهترین کارگردانی را ربود. با این حال این فیلم علی رغم فرم متواضع و بی ادعایش نمی تواند حقیقتاً در عداد چند کشف معدود جشنواره به شمار آید. فیلم در حقیقت نشان دهنده چیزی نیست بس زندگی روزمره سخت و یکنواخت و بیش از اندازه مکانیکی یک پسر بیچه ده ساله در یک شهر بندری در کرانه دریای خزر. کارگردان چنان اصلاتی در پرداخت و چنان انضباطی در استفاده از مدیوم سینمایی نشان می دهد که حاصل کار بیش از آن که سند هوشیارانه ای درباره وضعیت انسانی باشد، صورت فیلم مستندی درباره مردم و سرزمینی نادیده گرفته شده در یکی از ایالات ایران را پیدا می کند.

فیلم ایرانی دوم «مغول ها» که در آن حمله مغول ها به ایران

۲۷ کشور در آن شرکت کردند حال آن که امسال بیش از ۴۶ کشور حضور داشتند و تعداد فیلم ها از صد متجاوز بود. جنبه دیگر توسعه جشنواره مربوط به بازار فیلم است که در آن نیز بیشتر از یکصد فیلم به نمایش درآمد. کشور میزبان کوشش داشت با استفاده از تمام امکانات موجود، اهدای جوایز، گردش های دسته جمعی به خارج از پایتخت و غیره، به این رویداد اهمیت اجتماعی و فرهنگی شایسته ای دهد.

دومین جشنواره نه تنها از نظر تعداد فیلم و شرکت در آن گسترش داشت، بلکه به نظر می رسد که هدف از برگزاری و نیز ساختمان کلی آن تکامل چشمگیری یافته است. امسال برنامه ها نسبت به سال گذشته متنوع تر بوده و بخصوص به غیر از برنامه های مسابقه و اطلاعات، دو برنامه در بزرگداشت سینمای گذشته و یک برنامه برای بزرگداشت کوششهای سینمای جوان آفریقا ترتیب داده شد. برگزار کنندگان دومین جشنواره جهانی فیلم تهران به حق امیدوار بودند که سینمای ایران سهم مثبت و سازنده ای در گسترش و تکامل کارشان داشته باشد. از ایران دو فیلم یک اتفاق ساده و مغول ها در قسمت



یک اتفاق ساده

خود بگنجاند. به قرار اطلاع بودجه‌ای که به این فستیوال اختصاص داده‌اند بیش از پانصد هزار دلار است. هزیر داریوش دبیر کل جشنواره دلائل وجودی چنین جشنواره‌ای را، پر کردن جای خالی جشنواره ونیز عنوان کرده است. لازم به ذکر است که، هزیر داریوش و دیگر همکارانش تلاش داشتند با «کان» به رقابت پردازند منتهی در جهتی رو به سینمای جهان سوم و تلاش برای پیدایش سینمای ملی و بومی صحیح و ریشه دار. مک کولی بعد از اشاراتی چند به زمینه‌های رشد اقتصادی در ایران، به بازار سینمای غرب در ایران و به قسمت‌های مختلف جشنواره و غیره چنین می‌افزاید: «سینمای ایران به هر حال با جهشی چشمگیر در حال پیشرفت و ترقی است. امسال نیز در این جشنواره دلالی درخشان که نمایش دهنده این پیشرفت است وجود داشت.

مفولها اثر پرویز کیمیای که قبلاً نیز بدلیل نمایش و شرکت آن در جشنواره «بزارو» درباره اش نوشته‌ام تا آخرین لحظه رقابت شدیدی را برای احراز مقام اول با فیلم «لاکی لوجانو» روزی داشت و عاقبت نیز بحق جایزه مخصوص هیأت داورى را ربود. کشف بزرگ دیگر جشنواره فیلمی به نام یک اتفاق ساده اثر کارگردانی جوان به نام «سهراب شهید ثالث» است که جایزه بهترین کارگردانی را بخود اختصاص داد. توفیق این دو فیلم، در متن چنین جشنواره‌ای را باید بسیار قابل اهمیت دانست چرا که به عنوان مثال مالکی مانند فرانسه و آمریکا از این جشنواره دست خالی بیرون آمدند و این توفیق برای سینمای ایران می‌تواند محل باروری‌های بیشتری باشد و به جوانان و کارگردانان این سینما جرأت و قدرت آن را بدهد تا در جهان مشخص ذهنی خود به تجربه و ممارست پردازند و سدهایی را که تاکنون راه بر آنها بسته بود از میان بردارند.

«آلبر سرون» منتقد کمونیست سینمای فرانسه در نشریه چپ روی «فرانس نوول» در مقاله‌ای درباره فستیوال تهران چنین می‌نویسد: «اراده ایرانیان که مایلند با کان و ونیز (اگر ونیز از میان خاکسترها باز زاده شود) در یک سطح قرار گیرند و نگذارند که اروپا انحصار رویدادهای بزرگ سینمایی را در اختیار داشته باشد بطور اصولی مورد قبول همگان قرار گرفته است، اما در رویداد امسال برای خارجی‌ها کشف دو فیلم ایرانی بسیار شخصی جالب‌ترین نکته بود. هیچ یک از این دو فیلم از محصولات بخش خصوصی که سطح پایین کارش حیرت‌انگیز است نبود،

استعاره‌ای از هجوم رادیو و تلویزیون به دهات دورافتاده ایران می‌شود، از نظر ربط اجتماعی و مشخص بودن تمرکز اقتاع‌کننده است. به نظر می‌رسد که فیلمساز آنچنان تحت تأثیر سینمای فرانسه - به ویژه گودار قرار گرفته. این روزنامه‌نگار سوئیسی در انتها مطلب خود را چنین پایان می‌دهد: «دستکم گرفتن جشنواره تهران توسط غربی‌ها فقط یک ساده لوحی بارز خواهد بود. بلندنظری و مهربانی ایرانی‌ها در جشنواره لااقل برای شرکت‌کنندگان غربی یادآور سینما در عصر طلایی هالیوود بود. در یک نظر کلی، جشنواره تهران و خود تهران به مرکزی هنری برای حداقل خاورمیانه و نزدیک و شاید همه آسیا، تبدیل خواهد شد».

«دومینکو مک کولی» دبیر کل سابق فستیوال ونیز که در مجله «اپوکا» نقد می‌نوشت نیز فستیوال فیلم تهران را با این عنوان «مافیا و نفت حتی در فستیوال تهران» و این چنین تعریف می‌کند: «در آخرین روزهای ماه نوامبر تا اولین روزهای دسامبر یک جشنواره سینمایی با ابعاد عظیم جهانی در تهران برپا شد. این جشنواره به همت وزارت فرهنگ و هنر ایران برپا گشته است و موفق شده است از ۴۶ کشور مختلف فیلم‌هایی را در برنامه



منول ها

همان سال در جشنواره های سان رمو و وین نیز شرکت داده شد و توانست افتخارات زیادی برای سینمای ایران در آن زمان به ارمغان بیاورد. منتقدان حاضر در فستیوال «میدن رمو» فیلم شهید ثالث را یکی از بهترین نمونه های عرضه شده در جشنواره دانستند.

«نیگت فورسلند» تهیه کننده و مدیر تولید انستیتوی فیلم سوئد در مقاله ای پیرامون سینمای ایران و سومین فستیوال جهانی فیلم تهران، صنایع فیلمسازی در ایران را این گونه تفسیر می کند. «... هدف مستقیم جشنواره ایجاد توازن بین فیلم های معمولی کشورهای صنعتی و فیلم های جهان سوم است مدیر فستیوال اظهار می دارد که مهم ترین شوق او در کارش کشف جوانه های خلاقیت در کشورهای شرقی است که اغلب به علل مالی و فقدان انعکاس انتقادی پیش از شکوفایی پژمرده می گردند...» این منتقد در ادامه پس از تفسیر فیلم یک اتفاق ساده که آن را فیلمی بسیار باارز و خنده دار و در عین حال بسیار واقمگرا توصیف می کند در مورد فیلم شازده احتجاب ساخته بهمن فرماں آرا چنین می نویسد: «شازده احتجاب نمونه ای فوق العاده از یک فیلم با آگاهی ها و حساسیت های اجتماعی و

بلکه یکی به تلویزیون و دیگری به وزارت فرهنگ و هنر تعلق داشت. فیلم دوم، به خصوص با بودجه ای بسیار محدود ساخته شده است. اولی مغول ها نام دارد. حکایتی است غریب و لذت بخش که تاریخ سینما را به نقل از «ژرژ سادول» و چند نفر دیگر و روابط بین چند مغول و ایرانی ها را مورد مواجهه قرار می دهد. بی تردید کارگردان فیلم پرویز کیمیای استعداد آشکاری دارد، اما سبک کارش در حال حاضر بی شباهت به یک «استاز» در مدرسه ایدک و اشاره هایش را به گودار مسلماً بسیاری از تماشاگران ایرانی درک نخواهند کرد.

یک اتفاق ساده از سهراب شهید ثالث فروتنی بیشتری دارد، بلافصل تر و از نظر بیان سنتی تر است و با حال و هوایی که چخوف را به یاد می آورد درباره زندگی یک پسر بچه، خرافات و تعصب های دهات و حتی اعتراض به یک نوع سیستم تحصیلی بی تحرک می گوید. در انتها سرونی اشاره ای آشکار به هجوم فیلم های غربی در ایران داشته و تحول این نوع سینمای متفکر را با چنین هجومی چیزی مشابه معجزه و در نهایت اعجاب انگیز دانسته است.

جالب آن است که فیلم یک اتفاق ساده شهید ثالث در

سیاسی است. داستان فیلم از خیلی جهات آموزنده است و اشارات مبهم آن گاهی فیلم های اکسپرسیونیستی ترسناک را به یاد می آورد...

«نیگت فورسلند» از میان کارگردانان حاضر جشنواره شهید ثالث و مهرجویی را متفاوت از بقیه دانسته و کارشان را نقد می کند: «داستان فیلم گاو داستانی عجیب و غیرمتعارف با اشارات اجتماعی مبهم و دوبله دارد که با قدرت و درک عاطفی محیط و شخصیت ها بیان گردیده است. انتظامی را شاید اولین هنرپیشه شخصیت ساز ایران بدانیم. فیلم های مهرجویی بین بیان افراطی و تراژدی در نوسان است ولی فیلمساز در هر حال جانب خود را در رابطه اش با جهان بیرون که تا حدی بی معنی و انباشته از خرافات کهنه و نواست می گیرد. شاید این ویژگی او نتیجه چند سال مطالعه فلسفه در یک دانشگاه لوس آنجلس باشد. «به زعم «فورسلند» فیلم های شهید ثالث متفاوت ترند در ریتم کند و آرام آنها تجربه ای است جدید برای ایجاد ارتباط بصری و رسیدن به بیان ناب سینمایی.

در همین دوران بیست و پنجمین دوره فستیوال برلین برگزار می شود که از ایران فیلم در غربت شهید ثالث به نمایش درمی آید. به نظر کلیه منتقدان فستیوال برلین در غربت بهترین فیلم مسابقه بوده است: اما در کمال تعجب هیأت داورى هیچ جایزه ای را به این فیلم نمی دهد و آن سال جایزه اول به فیلم پذیرش فرزندان ساخته مارتا مساروش از مجارستان اهدا می شود. مجله حرفه ای و تخصصی فیلم اکو در مقاله ای به «فون هورست آکستمان» مدیر نشریه تحت عنوان «جشنواره جهانی فیلم تهران سرمشقی است برای فستیوال برلین» چنین می نویسد: «در سال گذشته (۱۳۵۲) نخستین جشنواره جهانی فیلم تهران که اکنون به عنوان یکی از پنج فستیوال بزرگ در جهان شناخته شده است، برگزار گردید. این نخستین جشنواره در خارج از ایران انعکاس وسیعی نداشت، اما امسال دعوت ها صحیح تر و با کفایت تر انجام شد و این تظاهر هنری در جهان شناخته شد... در این کشور که به سرعت رو به توسعه است بخاطر ملاحظات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کوشش های بسیاری برای عطف توجه جهانی به عمل می آید. در حالی که در تهران از حدود ۳۳۰ شخصیت برجسته سینمایی از ۴۶ کشور به مدت ده روز پذیرایی می شود ما در فستیوال برلین

۷۴ چه خواهیم کرد؟ حال آن که حتی این ارقام نمی تواند به تنهایی بازگوکننده میزان میهمان نوازی صمیمانه کشور میزبان باشد. نویسنده پس از دادن اطلاعاتی که در زمینه سینمای ایران ذکرش را لازم می داند. جشنواره فیلم تهران سال ۵۳ را از نظر شرکت عموم مردم و اختصاص شش سینما برای نمایش فیلم ها و همچنین از نظر اهمیتی که برگزارکنندگان به پذیرایی از میهمانان می دادند سرمشق بسیار خوبی برای اروپایی ها و به خصوص جشنواره برلین می داند. نکته ای که ذکر آن بسیار حائز اهمیت است این می باشد که در فاصله سال های ۱۳۵۲ الی ۱۳۵۵ حضور فیلم های ایرانی در فستیوال های جهانی به طور چشمگیری رو به افزایش است و برگزاری فستیوال جهانی فیلم تهران نیز سبب رشد و ترقی هر چه بیشتر استعداد های جوانان شده و زمینه را برای ارائه فیلم های بهتر هموار می سازد. آماری که در پی می آید فقط بیان کننده این است که در فاصله ۴ سال چند فیلم به فستیوال های جهانی راه پیدا کرده است:

جشنواره کان (فرانسه): شازده احتجاب، غریبه و مه، تنگسیر، طبیعت بی جان، تجربه، خروس، انتظار بلبل، مسجد شیخ لطف الله، زندگی، رخ، رنگین کمان، من آنم که، استقلال، معماری صفویه، عالی قابو، هشت بهشت.

جشنواره برلین: در غربت، راحت تر بهتر، زمان.

جشنواره تسالونیک: اصفهان.

جشنواره انسی: چرخ.

جشنواره فیلم های آماتوری هیروشیما: وغ - نبرد - قلمدوش.

جشنواره کراکو (لهستان): بلبل.

جشنواره مادرید (اسپانیا): خارک.

جشنواره ونیز (ایتالیا): اصلاحات ارضی.

جشنواره فیلم های تخیلی ارنه (فرانسه) ملک جمشید.

جشنواره بریسبانا (استرالیا): هشت بهشت زندگی.

جشنواره مسکو (شوروی): زیر پوست شب - مجموعه ' کنج علی خان - میراث.

جشنواره فیلم های آموزشی تهران: آستان قدس رضوی -

معماری صفویه - تکنولوژی آموزشی □